



ابوالفضل ظهروهوند، دیپلمات سابق در گفت‌وگو با «ایران»:

ایران، معادلات امریکادر منطقه را برهم زده است

گفت و گو

مذاکرات رفع تحریم‌ها همچنان در بن‌بست تصمیم‌گیری واشنگتن قرار گرفته است؛ بن‌بستی که مقام‌های امریکایی با امید به تحقق منافع حداکثری در برابر ایران، خود را

گرفتار آن کردند اما نه تنها در آن فرو ماندند که به نظر می‌رسد با برانگیخته شدن موج تحولات سازنده در منطقه میان ایران و بازیگران عربی با غافلگیری بزرگی هم روبه‌رو شده‌اند. ابوالفضل ظهروهوند، دیپلمات سابق جمهوری اسلامی در گفت‌وگو با «ایران» درباره ابعاد این تحولات سخن گفته است.

با وجود تحولات سازنده‌ای که در منطقه و در بستر بازیابی رابطه ایران و عربستان رقم خورده است، نشانه‌ای مبنی بر خروج مذاکرات رفع تحریم‌ها از بن‌بست دیده نمی‌شود. نظر شما درباره این شرایط چیست؟

با پیگیری سازمان حقوقی دولت در معاونت حقوقی رئیس جمهور، کام جدیدی در مسیر احقاق حق ایران در پرونده ۱۸ ساله کرسنت برداشته شد؛ گامی که کنار رفتن مسئولان دولت سابق زمینه برداشتن آن را فراهم کرد. این حرکت برای احقاق حق، ناشی از برکناری سرداور ضدایرانی دیوان است که به تأکید مسئولان دولت، آن را می‌توان در زمره دیگر خسارت‌های مسئولان دولت سابق به منافع ملی در این پرونده برشمرد. زیرا تصمیمات، آرا و رویکرد این فرد خارجی که از سوی برخی در داخل انتخاب و منصوب شد، عملاً در مسیر تأمین منافع ایران در این پرونده نبود.

پیروزی بزرگ حقوقی

در این باره معاون حقوقی رئیس جمهور

اگر مسائل بین دو کشور ایران و امریکا صرفاً در قالب موضوعات هسته‌ای خلاصه می‌شد، قطعاً باید تاکنون به نتیجه معلوم و مشخصی می‌رسید. طی دو سال گذشته از جمله در زمان استقرار دولت فعلی، مذاکرات هسته‌ای تا حدودی به پیش رفته و توافقات مقدماتی هم صورت گرفته اما آنچه که مانع به نتیجه رسیدن آن شده موضع متفاوت امریکایی‌ها و زیاده‌خواهی آنان بوده است. جو بایدن رئیس جمهور امریکا، همان مسیری را طی می‌کند که قبضی از این دونالد ترامپ و باقی رؤسای جمهور این کشور طی کرده‌اند. آنان نشان داده‌اند که مسأله امریکایی‌ها و متحدین او با ایران، موضوع هسته‌ای نیست. آنچنان که خانم رایس وزیر خارجه امریکا در دولت جورج بوش، هم براین موضوع تأکید داشته و گفته بود که اگر مسأله ما با ایران هسته‌ای نبود، قابلیت حل شدن را داشته و ما حتی آمادگی داریم که به ایران سلاح اتمی هم بدهیم. بنابراین علت را باید در جای دیگری جست‌وجو کرد. همان موضوعی که حضرت

اقتا هم به آن اشاره داشته‌اند. ایران و امریکا درباره طیف گسترده‌ای از موضوعات با یکدیگر اختلاف نظر دارند و همین تضاد است که مسیر پیش رو را برخلاف آنچه که بعضی از اصلاح‌طلبان توصیه می‌کنند، ترسیم می‌نماید. اتکا به ظرفیت‌های داخلی و تبدیل تحریم به فرصت، بهترین راهکار در برابر این تضاد است.

علل تعلل و تردید امریکایی‌ها برای

تصمیم‌گیری را ناظر به چه عواملی می‌دانید؟

به نظر می‌رسد مقام‌های این کشور

نتوانسته‌اند با تطویل مذاکرات به حداقل

خواسته‌های خود در قبال ایران نیز دست

یابند.

امریکایی‌ها کماکان از مسأله تحریم به عنوان یک «کارت چانه‌زنی» استفاده می‌کنند. موضع اخیر مشاور امنیت ملی امریکا مبنی بر اینکه ما برای یک «مذاکره جامع» آماده‌ایم، هم بر همین اصل استوار است. امریکا به دنبال یک توافق جامع با ایران است تا از طریق آن بتوانند ماهیت دوگانه کلی سیاست خارجی ایران را چه در عرصه منطقه‌ای و چه دکترین

اتنونی بلینکن، وزیر خارجه دولت بایدن و بنیامین نتانیاهو، نخست‌وزیر رژیم صهیونیستی

دفاعی‌اش تغییر دهد. در این رو نمی‌توان برجام را نوعی توافق با غرب دانست. در واقع، برجام پروژه‌ای بود که با غربی‌ها آغاز شد و این کشورها تلاش کردند از طریق این فرایند، مذاکرات برجام ۲۰۱، ۲۰۳ و ۴ را عملیاتی کنند تا عملاً جمهوری اسلامی را از درون استحاله کرده و سیاست آن را با رویکرد خود همسو سازند. اما نتوانسته‌اند به این هدف دست یابند.

بله، امریکا تحت فشار بدی قرار گرفته است؛ این کشور از یکسو، در جنگ اوکراین گرفتار شده و استراتژی‌ای که برای متوقف کردن چینی‌ها در پروژه یک جاده-یک کمربند در پیش گرفته، بدون دستاورد مانده است و از سوی دیگر، رژیم صهیونیستی که همواره هم‌پیمان امریکایی‌ها در منطقه بوده منزوی شده و مجبور شده منطقه را ترک کند.

لذا امریکا نیاز دارد که با ایرانی‌ها تعامل کند اما در قالب توافق جامع. آنها به دنبال مذاکراتی هستند که ابعاد دیگری از ظرفیت‌های ایران را هم دربر می‌گیرد که باز هم با ماهیت منافع ملی ایران سازگار نیست. اضافه‌ایم، که بر سر



میز مذاکراتی هم که قرار است بنشینند، آورده‌ای جز اهرم فشار ندارند.

این در حالی است که جمهوری اسلامی با تمرکز بر ظرفیت‌های ژئوپلیتیکی، دردد است مذاکرات را ناظر بر منافع حداکثری و مسدود کردن راه طرح خواسته‌های فراتر از موضوع هسته‌ای دنبال کند. امریکایی‌ها در حالی با طرح موضوعات اضافی همچون درخواست مذاکره درباره نقش منطقه‌ای و فعالیت‌های موشکی ایران روند مذاکرات وین را منحرف کرده‌اند که هدف فروپاشی نقش ژئوپلیتیکی ایران را دنبال کنند. این تهدید همین حالا هم در منطقه وجود دارد. تحولات در پاکستان، ترکیه، قفقاز جنوبی و حتی تغییراتی که در خلیج فارس شاهد آن هستیم همه با هم مرتبط هستند. امریکایی‌ها می‌دانند که ایران کلید پیروزی یا شکست‌شان در منطقه است. پس پیش از پیش باید ببینیم که داشته‌های‌مان چیست و متوجه موقعیت منطقه‌ای خود باشیم.

به موقعیت منطقه‌ای ایران اشاره کرده‌اید. با ازسرگیری روابط ایران و عربستان، آینده مناسبات منطقه‌ای را چطور می‌بینید؟

توافق ایران و عربستان بسیاری از محاسبات امریکایی‌ها در منطقه را بر هم زده است.

زلزله در هم‌پیمانی امریکا و عربستان به

عنوان یکی از نزدیک‌ترین متحدان منطقه‌ای امریکا، ظرفیت این کشور برای پیشبرد فشار حداکثری علیه جمهوری اسلامی را از بین برده است. روی آوردن امریکایی‌ها به سمت و سوی ائتلاف‌سازی دوباره یا تلاش برای ایجاد بحران‌های جدید و همچنین چراغ سبز به رژیم صهیونیستی برای هرگونه تهدید نظامی در نتیجه ناگامی‌هایی است که امریکا در سال‌ها و ماه‌های اخیر در منطقه با آن روبه‌رو شده است. بهره‌گیری از جنگ نرم هم ال‌ترناتیو دیگر امریکا برای برخورد با ایران است که در ماه‌های اخیر و در جریان بروز اغتشاشات به آن روی آورد. این همان جنگی است که نیازمند واکنش هوشمندانه ایران است و سربازان آن، رسانه‌ها، افکار عمومی و سطح زندگی مردم است.

با زلزله در موقعیت ایالات متحده در منطقه می‌توان چنین وضعیتی را برای رژیم صهیونیستی هم متصور بود؟

رژیم صهیونیستی از درون در آستانه فروپاشی است. ۸۵ درصد بدنه اجتماعی صهیونیست‌ها را یهودیان تشکیل می‌دهند اما باوری به آموزه‌های توراتی و تلمودی ندارند. بنابراین همین رژیمی که برپایه آموزه‌های تلمودی و رویکردهای نژادپرستانه سعی داشته امت واحدی را شکل دهد و راهبردهای ایدئولوژیک خود را دنبال کند، به بن‌بست خورده است.

کابینه نتانیاهو به عنوان افراطی‌ترین کابینه تاریخ رژیم صهیونیستی با چالش داخلی مواجه است. این رژیم در منطقه هم دستاوردی نداشته و در همراهی با

امریکا به عنوان سرباز پیاده این کشور عمل کرده و فعالیت خود را معطوف به کار اطلاعاتی و ترور کرده است. بنابراین در جنگ نرخی که کلید زده‌اند، سعی می‌کنند در زمینه جمع‌آوری اطلاعات و همچنین نفوذ و شبکه‌سازی در خدمت سناریویی باشند که امریکایی‌ها در حال انجام آن هستند. رژیم صهیونیستی زائده‌ای در سیاست خارجی امریکا و البته غرب است که اتفاقاً هزینه‌هایی را همچون جنگ اوکراین هم از آنها تحمیل کرده است. این رژیم با ایستادن در کنار ژلنسکی، فاجعه بزرگی برای اوکراین‌ها رقم زد. روال کار تاکنون به این صورت بوده که سازمان سیا و امریکایی‌ها هرجا که لازم بوده از ظرفیت رژیم صهیونیستی استفاده می‌بردند ولی فعلاً گرفتاری رژیم صهیونیستی هم در محیط داخلی خود و هم در رویارویی با حماس و جریان مقاومت در سوریه و لبنان نشان می‌دهد که قادر به تأمین امنیت خود هم نیستند چه رسد به اینکه با امریکا همراهی کنند. این روند دورنمای خوبی برای اسرائیل نخواهد داشت و خیلی از مردمان آن به فکر این هستند که منطقه را ترک کنند چرا که فرجامی در ادامه نمی‌بینند.

سیاسی

۱۴

دیگه چه خبر؟

شدت گرفتن درگیری براندازان در شبکه‌های اجتماعی

«**خبر اول اینکه**، با ناگامی اغتشاشات سال گذشته که در نتیجه عدم همراهی مردم با برنامه‌های دشمنان رقم خورد، سرخوردگی و یأس در ضدانقلاب هم به اوج خود رسیده، تا جایی که پس از شکاف و پارکشی، حالا به افشاکاری نسبت به یکدیگر روی آورده‌اند. امروز این شکاف میان ضدانقلاب دو وجه اساسی دارد: در یک طرف سلطنت‌طلبان حامی رضایهلوی قرار دارند که فکر می‌کنند شاه بی‌تخت آنان بیش از دیگر ضدانقلاب‌ها طرفدار دارد، در طرف دیگر هم عناصر تجزیه‌طلبی مانند مهتدی‌ها و علیزاده‌ها هستند که می‌خواهند اغتشاشات سال گذشته را به نام گروهک خودشان فاکتور کنند و در راستای پروژه تجزیه ایران قدم بردارند. البته هر دو گروه، دیگری را متهم می‌کند که باعث شکست به اصطلاح خودشان انقلاب! «زن، زندگی، آزادی»، شده و با پول‌های جمع‌آوری شده از دولت‌های غربی در حال زندگی لاکچری هستند. در تازه‌ترین موارد از این جنگ زرگری که به گفته ناظران برای پول است، علی‌جوانمردی، عنصر ضدانقلاب و تجزیه‌طلب، رضا پهلوی را عامل تفرقه و شکست اغتشاشات برشمرد و گفت: «مبارزه فرزندان ما به عامل پول جمع کردن اینها تبدیل شده که فقط در لس‌آنجلس یک میلیون دلار جمع کردند.» وی اضافه کرد که رضا پهلوی در پی اغتشاشات پول‌ها را جمع کرد و دنبال زندگی خودش رفت و «ما بزودی می‌پرسیم چقدر از اسرائیل گرفتن؟» در طرف دیگر، داریوش همایون، چهره سلطنت‌طلب، مسیح علی‌زاد را به داستان‌سرایی و دروغ‌بافی در ماجرای ریایش با تروزش متهم کرد و گفت واقعاً چه کسی این داستان‌ها را باور می‌کند؟

دستگیری عضو گروهک داعش در زابل

«**خبر دیگر اینکه**، فرمانده انتظامی سیستان و بلوچستان از شناسایی و دستگیری عضو گروهک تروریستی داعش با رصد اطلاعاتی دقیق مأموران انتظامی و سربازان گمنام امام‌زمان (عج) در شهرستان زابل خبر داد. به گزارش ایرنا، سردار دوستعلی جلیلیان با اشاره به اینکه پس از اطلاع از سکونت یافتن این عنصر داعشی، رصد لحظه‌ای اقدامات و تحرکات این فرد آغاز شد، اظهارکرد: سرانجام مخفیگاه‌اش شناسایی و با اشراف دقیق اطلاعاتی طی یک عملیات منسجم و هماهنگ سربازان گمنام امام‌زمان (عج) در فرماندهی انتظامی و اداره اطلاعات، فرد داعشی دستگیر می‌شود. وی گفت: در تحقیقات اولیه مشخص شد این فرد که دارای تابعیت یکی از کشورهای همسایه است با یک برنامه‌ریزی هدفمند در این منطقه به تبلیغ برای گروهک تروریستی داعش اقدام می‌کرده است.

از «زن، زندگی، آزادی» تا پوشش مداوم اخبار همجنس‌بازان



«**دست آخر اینکه**، رسانه فارسی‌زبان دولت انگلیس در جدیدترین اقدام خود، حجم اخبار مربوط به انحرافات جنسی را به طور محسوسی افزایش داده است. BBC فارسی ضمن حمایت از تروریسم و ناامنی در حوادث سال گذشته ایران، اقدامات بسیاری در زمینه پوشش خبری مسائل مربوط به همجنس‌بازان داشته است. استراتژی این تلوویزیون سلطنتی اگرچه از ابتدای تأسیس بر «اسلام‌زدایی» تأکید داشته است اما آمار و شواهد حاکی از آن است که سایت اینترنتی و کانال تلگرامی BBC همزمان با ترویج خبرهای سیاسی «زن، زندگی، آزادی»، بیش از پیش به صورت گسترده اخبار مختلف مربوط به ترویج انحرافات جنسی را نیز به زبان فارسی منتشر می‌کند. تقریباً می‌توان گفت این رسانه متعلق به سرویس جاسوسی انگلیس به صورت روزانه و به بهانه‌های مختلف، اخبار مختلفی را در این خصوص از سراسر جهان پوشش می‌دهد و به عادی‌سازی در این حوزه مبادرت دارد. گفتنی است، سرمایه‌گذاری ضدانقلاب برپیکری دشمنی سیاسی خود از طریق موضوعات اخلاقی همچون خیابانی، به‌طور چشمگیری افزایش یافته است.